

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: کلیات آثار لنین، جلد ۱۸، صفحات ۴۰۲-۴۰۴، انتشارات پروگرس، مسکو، ۱۹۷۵.
فرستنده: عثمان حیدری
۲۹ اکتوبر ۲۰۲۰

نتایج و اهمیت انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده

ویلسون «دمکرات»، به ریاست جمهوری ایالات متحده انتخاب شده است. او بیش از شش میلیون رأی به دست آورده است. [تئودور] روزولت («حزب متریقی ملی» جدید) بیش از چهار میلیون، تفت (حزب جمهوریخواه) بیش از سه میلیون، و یوجین دبز سوسیالیست ۸۰۰ هزار رأی.

اهمیت جهانی انتخابات ایالات متحده نه در افزایش بسیار در آراء سوسیالیستی، بلکه در بحران گسترده احزاب بورژوازی، در نیروی عظیمی است که زوال آنها را آشکار کرده است. در آخر، اهمیت انتخابات در افشای غیرمعمول و روشن رفرمیسم بورژوائی به مثابه ابزاری برای مقابله با سوسیالیسم است.

در همه کشورهای بورژوائی، احزابی که طرفدار سرمایه‌داری هستند، یعنی احزاب بورژوازی، مدت‌ها پیش به وجود آمدند و هر چه میزان آزادی سیاسی بیشتر باشد، آنها نیرومندتر هستند.

آزادی در ایالات متحده آمریکا تقریباً کامل است. و برای کل نیم قرن- از زمان جنگ داخلی بر سر برده‌داری در ۶۵-۱۸۶۰، دو حزب بورژوازی در آنجا با استحکام و نیروی چشمگیر متمایز شده اند. حزب برده‌داران پیشین به اصطلاح حزب دمکرات است. حزب سرمایه‌دار، که از آزادی سیاهان حمایت می‌کرد، به حزب جمهوریخواه تبدیل شده است.

از زمان آزادی سیاهان، تمایز بین دو حزب کاهش یافته است. دعوی بین این دو حزب عمدتاً بر سر میزان عوارض گمرکی بوده است. این دعوا هیچ اهمیت جدی برای توده مردم نداشته است. مردم با ابزار دوئل‌های تماشائی و بی‌معنی فریب خورده اند و از منافع حیاتی خود منحرف شده اند.

این به اصطلاح نظام دو حزبی غالب در آمریکا و بریتانیا یکی از مهمترین ابزار جلوگیری از بالا آمدن یک طبقه کارگر مستقل، یعنی حزب واقعاً سوسیالیست، بوده است.

و اکنون نظام دو حزبی در آمریکا، در کشوری که لاف پیشرفته‌ترین سرمایه‌داری را می‌زند، گرفتار یک رسوائی شده است! چه چیز باعث این رسوائی شد؟

نیروی جنبش طبقه کارگر، رشد سوسیالیسم.

احزاب قدیمی بورژوازی (احزاب «دمکرات» و «جمهوریخواه») رو به سوی گذشته داشته اند، حزب جدید بورژوازی، حزب متریقی ملی، رو به سوی آینده دارد. برنامه آن کلاً به مسأله آیا سرمایه‌داری باشد یا نباشد، به

موضوعات مشخص حمایت از کارگران و «تراستها»- نامی که در ایالات متحده آمریکا برای انجمن‌های سرمایه‌داری به کار برده می‌شود- پرداخته است.

احزاب قدیمی محصول دورانی هستند که وظیفه آن توسعه هر چه سریع‌تر سرمایه‌داری بود. مبارزه بین احزاب بر سر این مسأله بود که چگونه می‌توان این پیشرفت را به بهترین نحو تسهیل نمود.

حزب جدید محصول دوران کنونی است، که موضوع بودن خود نظام سرمایه‌داری را پیش می‌آورد. در ایالات متحده آمریکا، آزادترین و پیشرفته‌ترین کشور، این موضوع روشن‌تر و گسترده‌تر از هر جای دیگر برجسته می‌شود. کل برنامه و کل تهییج روزولت و مترقی‌ها پیرامون این بود که چگونه می‌توان سرمایه‌داری را به وسیله رفرفرم‌های بورژوازی نجات داد.

رفرفرم بورژوازی که در اروپای قدیمی خود را در منشور پرفسورهای لیبرال نشان می‌دهد یکجا و یکباره در جمهوری آمریکای آزاد به مثابه یک حزب چهار میلیونی پیش می‌آید.

حزب می‌گوید ما باید با رفرفرم‌ها سرمایه‌داری را نجات دهیم. ما باید مترقی‌ترین قانون کارخانه را اعطاء نماییم. ما باید کنترل دولت بر همه تراستها را برقرار نماییم (در ایالات متحده آمریکا این به معنای بر همه صنایع است!). ما برای ریشه‌کن ساختن فقر و قادر ساختن همه برای به دست آوردن یک دستمزد «مناسب» باید کنترل دولت بر همه آن‌ها را برقرار نماییم. ما باید «عدالت اجتماعی و صنعتی» برقرار نماییم.

ما همه رفرفرم‌ها را محترم می‌شماریم- تنها «رفرفرمی» که نمی‌خواهیم مصادره سرمایه‌داران است!

ثروت ملی ایالات متحده آمریکا اکنون ۱۲۰ میلیارد (هزار میلیون) دالر، یعنی حدود ۲۴۰ میلیارد روئل، محاسبه می‌شود. حدود یک‌سوم آن، یا حدود ۸۰ میلیارد روئل به دو تراست، به تراست‌های راکفلر و مورگان تعلق دارد، یا تابع این تراست‌ها است! کمتر از ۴۰ هزار خانواده‌ای که این دو تراست را تشکیل می‌دهند اربابان ۸۰ میلیون مزدبگیر هستند.

بدیهی است، مادام‌که این برده‌داران مدرن در آنجا وجود دارند، همه «رفرفرم‌ها» چیزی جز فریب نخواهند بود. روزولت عاقدانه به وسیله این میلیون‌های زیرک برای وعظ این فریب استخدام شده است. «کنترل دولت» که آن‌ها وعده می‌دهند- اگر سرمایه‌داران سرمایه خود را نگه دارند- به ابزاری برای مقابله و درهم شکستن اعتصابات مبدل خواهد شد.

اما پرولتاریای آمریکائی هم‌اکنون بیدار شده است و در قرارگاه خود است. او با کنایه شادمانه‌ای از روزولت استقبال می‌کند، گوئی که می‌گوید: «روزولت فریبکار عزیز، تو چهار میلیون مردم را با وعده‌های رفرفرم فریب دادی. بسیار خوب! فردا آن چهار میلیون نفر خواهند دید که وعده‌های تو یک دغلکاری بود، و فراموش نکن که آن‌ها فقط به این دلیل دنبال تو هستند چون احساس می‌کنند که زندگی به شیوه قدیم غیرممکن است.»

۹ نومبر ۱۹۱۲

برگرفته از: آرشیو مارکسیستی

تارنگاشت عدالت

<https://www.marxists.org/archive/lenin/works/1912/nov/09.htm>